روزنامه شرق

هدیه ویژه نمایشگاه سنگ‌های تزئینی و مصالح ساختمانی

سال سوم ■ شماره ۷۸۷ ■ دوشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۲۲ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۱۹ ژوئن ۲۰۰۶

۳۲ صفحه ■ به همراه ۱۶ صفحه نیازمندی‌های شرق ویژه استان تهران ■ ۱۵۰ تومان

تعریف درست فیلم فرهنگی

یادداشتی از فریدون جیرانی

داستان نمایش فیلم‌های به اصطلاح فرهنگی تاریخچه طولانی دارد. پیچیدگی و گره خوردن این داستان به امروز مربوط نیست. از دیروز به امروز رسیده است. فقط طی زمان گره، کورتر شده است. گره‌ای که در ابتدا با دست به راحتی باز می‌شد الان با دندان هم به سختی باز می‌شود. آخر سال ۸۰ که اداره شورای صنفی از اتحادیه تهیه و توزیع فیلم ایران به خانه سینما واگذار شد و محل برگزاری این شورا از محل اتحادیه به خانه سینما منتقل شد، نماینده ارشاد در . . .

صفحه ۱۵

دلش بی‌انتها مثل کویر است

به یاد علی شریعتی

سه دهه از خاموشی آن صدای آرام و دلنشین که از دلی سرشار بی‌قراری و اخلاص برمی‌خاست، می‌گذرد. در این سه دهه همیشه بیست و نهم خرداد دلم را به آرامگاه خلوت پشت دیوار زینبیه برده است. حتی روزهایی هم که بیست و نهم خرداد نبوده و در کنار مزار او بوده‌ام، باز به یاد بیست و نهم خرداد و آن هجرت غریبانه و مظلومانه و سبز و سرخ افتاده‌ام و در آن گورستان خلوت چشم‌هایم را با ابرها گره زده‌ام. در این سال‌ها مخالفان افراطی و موافقان تفریطی . . .

صفحه آخر

گزارش بازی

بازی‌های امروز	
سوئیس-توگو	ساعت ۱۶/۳۰
اوکراین-عربستان	ساعت ۱۹/۳۰
اسپانیا-تونس	ساعت ۲۲/۳۰

کرواسی صفر- ژاپن صفر
برزیل ۲ - استرالیا صفر

تیم زیکو مدیون دروازه‌بانش شد

گروه ورزش، وصال روحانی: عصر دیروز در ادامه مسابقات گروه ششم جام‌جهانی فوتبال ۲۰۰۶ تیم‌های ملی کرواسی و ژاپن در شهر نورنبرگ آلمان به تساوی بدون گل در برابر یکدیگر رسیدند تا بخت‌های اندک خود را برای صعود به مرحله بعدی حفظ کنند. با این حال اندوخته هر دو تیم تا این مقطع از پیکارها فقط یک امتیاز است که از همان دیدار دیروز جمع‌آوری کرده‌اند. شاید هم سرنوشت آنها از هم‌اینک تا حدی مشخص باشد، زیرا پنجشنبه در واپسین روز بازی‌های این گروه ژاپن در شهر دورتموند به مصاف برزیل می‌رود و کرواسی در شهر اشتوتگارت روبه‌روی استرالیا قرار خواهد گرفت. البته قبل از همه اینها از ساعت ۱۹/۳۰ دیشب برزیل و استرالیا در «آلیانس آره‌نا»ی مونیخ با یکدیگر مصاف دادند تا وضعیت این گروه را مشخص‌تر سازند. ژاپن می‌تواند تساوی دیروز و اولین امتیاز حاصله‌اش در جام هجدهم را در درجه اول مدیون یوشی کاتسو کاواگوچی بداند. دروازه‌بان آشنای ژاپن در روزی موفق پنالتی داریو سرنا هافبک کروات‌ها را که دقیقه ۲۱ شلیک شد، به خوبی دفع کرد تا یک بخت مسلم گلزنی را از تیم زلاتکو کرانیکار بگیرد، خطای پنالتی زمانی از سوی فرانک دوبلیکر داور بلژیکی اعلام شد که دادو پرشو مهاجم قوی هیکل و گلاسکو رنجرزی کرواسی بر اثر برخورد با مدافع ژاپنی درون محوطه جریمه زمین خورد. البته در طول مسابقه ژاپن بیشتر از حریف صاحب توپ و میدان بود، به طوری که در مقوله تملک توپ و میدان و در محاسبات کامپیوتری مربوطه ۵۶ درصد به ۴۴ درصد از رقیب خود پیش بود. با این حال کم‌دقتی در زدن ضربات آخر و اشتباهات مکرر بلای جان تیم زیکوی برزیلی هم شد و این تیم نیز نتوانست در مقاطعی که صاحب برتری میدانی بود و در حول و حوش ۱۸ قدم به فرصت‌های شوت‌زنی و گلزنی نایل شد، کارش را درست به پایان برساند. شاید بهترین فرصت گلزنی برای تیم ژاپن نصیب آتسوشی یاناگیساوا شده باشد، اما او در اوایل نیمه دوم در حالی که سانتر صورت گرفته توسط آکیرا کاجی از مدافعان کروات عبور کرده و استپه پلی تیکاسا دروازه‌بان کروات را نیز غافلگیر کرده بود، دروازه تقریباً خالی حریف را به اشتباه هدف گرفت و توپ را به خارج زد. الکس هافبک برزیلی تبار ژاپن یک خطر دائمی برای خط دفاعی لرزان کرواسی بود، اما او نیز نتوانست راهی را برای سقوط دروازه پلی تیکاسا بیابد. ژاپن بازی را بدون خسران و تاسف نیز به پایان نرساند زیرا اضافه بر اکتفا به یک امتیاز در پایان دومین دیدارش در جام و از دست دادن فرصتی جدید، سونی یاسومیاموتو مدافع کلیدی و کاپیتان خود را نیز برای مسابقه آخرش از دست داد، زیرا وی بود که در محوطه جریمه روی پرشو خطا کرد و پنالتی کروات‌ها را به بار آورد و با احتساب اخطاری که در مسابقه نخست ژاپنی‌ها (باخت ۱-۳ در برابر استرالیا) گرفته بود، دو اخطاره شد و طبعاً حق حضور در مسابقه بعدی را از دست داد. کرواسی به جز این پنالتی ازدست رفته بخت‌های دیگری هم برای گلزنی داشت. یک‌بار مارکوباپیچ به حرکت درآمد و به سمت دروازه ژاپن پیش تاخت اما شوتش را بد زد و یک مرتبه هم نیکو کرانیکار مهاجم تیم ملی کرواسی و پسرمربی این تیم روی یک پاس عمقی صاحب موقعیت خوبی شد اما نتوانست به اندازه کافی به بدنش برای وارد کردن ضربه لازم کش بدهد و یک مرتبه هم شوت او به تیر افقی دروازه ژاپن خورد. ضربه سر یوسیپ سیمونیچ هافبک کرواسی نیز از دیگر ماجراجویی‌های تیم کرواسی بود که بی‌ثمر ماند. در تیم کرواسی هم یک بازیکن، دو اخطاره شد و او رابرت کواچ مدافع معروف این تیم بود که سابقه سال‌ها بازی در بوندس لیگا را دارد. با این همه عنوان برترین بازیکن مسابقه نصیب هیچ یک از نفرات فوق نشد و به هیده توشی ناکاتا هافبک کارکشته ژاپن رسید که او نیز سال‌ها است در اروپا بازی می‌کند. انتخاب او توسط کمیته فنی فیفا صورت گرفت و میدان‌گیری وی و نقشی که در حفظ خط میانی به سود ژاپن در شرایط سخت و زیر فشار کروات‌ها داشت از دلایل اصلی این گزینش عنوان شد. ژاپن به عنوان قهرمان هر دو دوره اخیر (۲۰۰۰ و ۲۰۰۴) جام ملت‌های آسیا پای در این رقابت‌ها نهاده است و در جام ۲۰۰۲ هم به یک‌هشتم نهایی رسیده بود و در نتیجه نمی‌تواند از حاصل کارش در این پیکارها تا این لحظه رضایت چندانی داشته باشد، به‌خصوص که شکست دور نخست در برابر استرالیا در شرایطی حاصل آمد که مردان زیکو تا دقیقه ۸۴ با حساب ۰-۱ از حریف خود پیش بودند. کروات‌ها را هم می‌توان بسیار ناراضی توصیف کرد زیرا نه‌تنها در دیدار دیروز یک پنالتی را از دست دادند و یک بار هم تیر دروازه کاواگوچی را به لرزه درآوردند، بلکه در مسابقه نخست خود نیز ۰-۱ به برزیل باخته بودند که هر چند شکست با کمترین اختلاف در برابر قهرمان دوره گذشته جام‌جهانی اصلاً اسباب سرشکستگی نیست، اما حاصل دو بازی برای کروات‌ها فقط یک امتیاز است و معلوم نیست که آنها در بازی آخرشان با تیم «به‌شدت فیزیکی» استرالیا چه سرنوشتی خواهند داشت. در دیداری که ۴۱هزار تماشاگر را به ورزشگاه نورنبرگ کشانده بود، مربیان هر دو تیم دست به ۳ تعویض زدند با این امید که به نتیجه دلخواه و ۳ امتیاز این مسابقه برسند. زیکو که نارضایتی از چهره‌اش می‌بارید، اینامو‌تو را از شروع نیمه دوم جانشین تاکاشی فوکونیشی در خط میانی کرد و سپس کیجی تامادا و ماساشی اوگورو را نیز به جای یاناگیساوا و نائوهیرو تاکاهارا به میدان فرستاد که اوگورو فقط ۵ دقیقه در میدان بود، اما آنها هم نتوانستند گرهی را بگشایند.

گزارش تحلیلی شرق

موج بازنشستگی استادان علوم انسانی

گروه اندیشه، حمیدرضا ابک: «بازنشستگی یک مسئله کاملاً عادی و براساس مقررات دانشگاه است که هر سال انجام می‌گیرد. امسال هم بازنشستگی به روال گذشته انجام شد، منتها سعی کردیم در حد امکان اساتیدی را که به رتبه استادی رسیده‌اند و در سن بازنشستگی هستند، نگه داریم. بیشتر بازنشسته‌ها یا مربی هستند و یا استادیار. تعداد اندکی از آنها دانشیارند که سنشان از ۶۵ سال به بالا است و مشمول مقررات بازنشستگی می‌شوند.» این جملات را رئیس دانشگاه تهران دکتر شیخ عباسعلی عمیدزنجانی در پاسخ به خبرنگاری گفت که از او درباره بازنشستگی اساتید دانشگاه تهران پرسیده بود تا به جنجالی پایان ببخشد که دانشجویان دانشگاه مادر به راه انداخته بودند. برخی از اساتید علوم انسانی دانشگاه تهران بازنشسته شده بودند و این امر اعتراض دانشجویان را به همراه آورده بود. معترضان اعلام کرده بودند که اعتراض‌شان مبتنی بر چند دلیل است. اولاً کسانی که بازنشسته شده‌اند از اساتید مبرز و شناخته شده‌اند و بازنشستگی‌شان به معنای محروم کردن دانشجویان از محضر آنان است. ثانیاً به عقیده آنان، در فرآیند بازنشستگی تبعیض صورت گرفته است. بدین معنا که برخی اساتید که هم سن بیشتری دارند و هم سابقه‌ای کمتر درخشان، هنوز بر سر کارند و اساتیدی چون محمد مجتهدشبستری، مشمول بازنشستگی شده‌اند. ثالثاً مسئله بازنشستگی، نسبتی مستقیم با مسئله جایگزینی دارد. به عقیده معترضان، این اقدام بیش از آنکه ناظر به خانه‌نشین کردن بازنشستگان باشد، دایر به محور ورود افراد جدید و البته با ویژگی‌های خاص به عرصه دانشگاه است.

شدت اعتراض‌ها به حدی بود که عمیدزنجانی در مصاحبه‌ای مطبوعاتی به تک‌تک اعتراضات پاسخ گفت. او ضمن رد اتهام سوم، اعلام کرد که هیچ کدام از اساتید بازنشسته شده در دانشکده حقوق رتبه استادی نداشته‌اند تا پاسخ انتقاد نخستین را هم داده باشد. انتقاد دوم را اما دکتر حسینی معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران در پاسخ به معاون حقوقی دانشگاه رد کرد. او در نامه‌ای پنج ماده‌ای، ضمن تصریح بر عادی بودن مسئله بازنشستگی و تاکید بر فلسفه این موضوع که جایگزینی نیروهای جوان‌تر و کارآمدتر است اعلام کرد قانون این اجازه را می‌دهد که این ماده در مورد کسانی که دارای سابقه فعال آموزشی و پژوهشی هستند اعمال نشود. سخنان حسینی در واقع پاسخی به منتقدانی بود که قائل به اجرای تبعیض‌آمیز قانون بودند.

■■■

مسئله بازنشسته کردن اساتید، مسئله تازه‌ای نیست. در سال‌های قبل هم با استناد به همین مواد قانونی، اساتید دانشگاه‌ها بازنشسته می‌شده‌اند و اساتید جدید به جای آنان می‌نشسته‌اند. همین قانون نیز به کارگزاران اجازه می‌داده است که براساس ملاک‌هایی، در مورد برخی اساتید، از اعمال مواد مذکور جلوگیری کنند. قاعدتاً انصاف باید داد که هیچ کدام از منتقدان قادر به اثبات غیرقانونی بودن مسئله بازنشستگی نبودند و یا شاید اصلاً نباشند. بنابراین طبیعی است که متولیان امور از اعتراض‌های دانشجویی اظهار تعجب کنند و به اعمال همین قانون در سال‌های گذشته استناد کنند.

اما قضیه در همین جا ختم نمی‌شود. همان قانون اجازه می‌دهد که دانشگاه‌ها از توانایی اساتید بازنشسته نیز بهره‌مند شوند. اینجاست که سلیقه متولیان دانشگاه تعیین‌کننده است.

می‌توان ملاک‌ها و معیارها را کاملاً صوری تعریف کرد و با این اقدام خیل کثیری از صاحبان معرفت را از دایره تنگ آکادمی بیرون کرد؛ کاری که بارها در سال‌های گذشته و دولت‌های دیگر هم تکرار شد. می‌توان سوابق و درجات کسی را نادیده گرفت و بر بی‌سابقه‌ای و بی‌درجه‌ای شخصی دیگر هم چشم فرو بست. بالاخره قانون این اختیار را به دانشگاه داده است. به همین خاطر است که شاید تنها نکته‌ای که هم در اعتراض‌های منتقدان و هم در پاسخ‌های متولیان مغفول مانده است مسئله استقلال دانشگاه است. قاعدتاً قوانین موجود در این حوزه نسبتاً کارآمدند و متناسب با قوانینی که در دیگر کشورها اجرا می‌شوند. نکته اما اینجاست که این قوانین با فرض وجود دانشگاه‌هایی مستقل و بی‌طرف به لحاظ سیاسی و حتی اجتماعی تدوین شده‌اند. همه اهمیتی که دانشگاه تهران در خلال این هفتاد و چند سال برای خود به هم رسانده است حاصل تلاش هیات امنای گرانقدر و دانشمندی بوده است که در خلال این چندین دهه، بار ناملایمات را به دوش کشیده‌اند و زیر بار سیاسی کردن دانشگاه به این معنا نرفته‌اند. دکتر غلامعلی حدادعادل دانش آموخته و استاد همین دانشگاه در خاطراتی که از دکتر یحیی مهدوی استاد برجسته فلسفه در دانشکده ادبیات نقل کرده، به نکته بسیار مهمی اشاره می‌کند. می‌گوید روزی به همراه دوست دیگری از دانشگاه شریف آن زمان به دانشگاه تهران رفتیم تا بر سر کلاس دکتر مهدوی حاضر شویم. از قضا دیر رسیدیم. مهدوی پرسید کجا بودید و من گفتم دانشگاه. برآشفته شد و با تحکم گفت: «وقتی کلمه دانشگاه را بدون قید به کار می‌برید، منظور به طور مطلق دانشگاه تهران است. بروید بنشینید.» استناد حدادعادل به این خاطره تنها تلاشی است برای اثبات این نکته که دورماندن هیات امنا و اساتید دانشگاه تهران از سلیقه‌های شخصی است که ماندگاری آن را تضمین کرده است. اعتراض به عملکرد عمیدزنجانی و مدیران وزارت علوم احتمالاً محملی قانونی ندارد که اگر داشت لابد تاکنون حقوقدانان سرزمین ما در این باره به میدان آمده بودند. نکته در این بحث نهفته است که آیا می‌توان درباره اساتیدی چون محمد مجتهدشبستری نیز استدلال کرد که دانشگاه به حضور آنان نیازی ندارد؟

در خبرها آمده بود که اساتید بازنشسته همان حقوقی را دریافت می‌کنند که هنگام تدریس می‌گرفته‌اند که البته این نکته در جای خود شایسته تقدیر است. اما وقتی قرار است دولت چنین هزینه‌ای را هم متقبل شود آیا به جایی برمی‌خورد که مجتهدها را به اتاق‌هایشان برگردانیم و حتی اگر آنها را مناسب برای تدریس نمی‌دانیم، تجربه و دانش‌شان را دراختیار دانشجویان قرار دهیم؟ سیدهادی عالم‌زاده استاد تاریخ و تمدن اسلامی دانشکده الاهیات که همچون مجتهدشبستری مشمول قانون بازنشستگی شده است در نامه‌ای به روزنامه شرق به سخنان حسینی معاون آموزشی و تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران پاسخ داده است. از زبان او باید شنید تا اندکی بهتر در این باب تامل کرد: «آیا در قاموس آن‌جناب و ریاست محترم دانشگاه، فعالیت و کوشش مستمر برای تدوین برنامه‌های درسی و آموزشی پژوهشکده تاریخ علم و راه‌اندازی دو گرایش از چهار گرایش تعریف شده برای آن پس از سال‌ها رکود و خاموشی، تاسیس مجله تاریخ علم و انتشار پنج شماره از آن، تدریس فعال و بانشاط دوازده واحد درسی در دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در هر نیمسال، نگارش و تالیف بیش از پنجاه مقاله علمی و پژوهشی، انجام طرح‌های پژوهشی و کسب ۳۶/۵ امتیاز علمی و پژوهشی تنها در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ برای اخذ یک رتبه ترفیع، دال بر داشتن سوابق آموزشی و پژوهشی موثر و مبرز بودن یک استاد هست یا نه؟ اگر این گونه نیست، شایسته است جناب عالی که خود مجری قانون ترفیعات دانشگاه هستید، تعاریف جدید و تازه خود را از این تعابیر و واژگان ارائه فرمایید تا برای اعضای هیات علمی جوان، سرمشق قرار گیرد.» قضاوت درباره چگونگی مواجهه دانشگاه تهران با اساتیدی چون عالم‌زاده و مجتهد، هنوز زود است. طبیعی است که بین فرآیند بازنشستگی و همکاری مجدد نیز فاصله‌ای بیفتد. سخنی اگر باقی می‌ماند این نکته است که آیا ما اساساً اراده‌ای برای بهره بردن از این امکانات بالقوه و بالفعل داریم یا نه؟ آیا می‌خواهیم دانشجویانمان بر شانه اساتیدشان بایستند تا از افقی بالاتر به جهان بنگرند یا نه؟ شاید باید منتظر بمانیم که متولیان وزارت علوم و گردانندگان دانشگاه تهران، اقدامات بعدی‌شان را انجام دهند و روسفیدمان کنند که شرمسار دیگرانی که زمانی دیگر در حق ما قضاوت می‌کنند نمانیم. استاد محمد مجتهدشبستری (که برخلاف اغراق‌های ما روزنامه‌نگاران، به تمام معانی آکادمیک و روشنفکری کلمه لایق و دارنده این صفت است) دارای مدرک دکترا در فلسفه و کلام اسلامی و صاحب کرسی استادی دانشکده الاهیات دانشگاه تهران است. او از معدود اساتید دانشکده الاهیات است که در بیرون آکادمی شهرتی بسیار بیشتر به هم زده است و در زمره سرخیلان نواندیشی دینی در سال‌های پس از انقلاب به‌شمار می‌رود. متولد شبستر تبریز است و در سال ۱۳۱۵ به دنیا آمده است. او از سال ۱۳۴۹ تا پیروزی انقلاب مدیر مرکز اسلامی هامبورگ در آلمان غربی بود؛ مرکزی که آیت‌الله‌العظمی بروجردی تاسیس‌اش کرده بود و بزرگانی چون بهشتی و خاتمی را پرورده بود. نویسندگی نشریه مکتب اسلام در قم، یکی از نقاط اوج فعالیت‌های مطبوعاتی این روحانی نواندیش است؛ نشریه‌ای که هنوز هم به‌زعم بسیاری از مورخان تاریخ انقلاب یکی از تاثیرگذارترین نشریات آن دوران در پیروزی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود. شبستری پس از انقلاب دست‌اندرکار تدوین نشریه‌ای دیگر شد! «اندیشه اسلامی» که به مدیر مسئولی و سردبیری مجتهد منتشر می‌شد، کارنامه‌ای پربار و درخشان برای اندیشمندی فراهم آورد که از طرف مردم زادگاهش به نمایندگی مجلس انتخاب شده بود. مجلس اول اما پایان کار سیاسی شبستری بود. آینده برای او تقدیر دیگری رقم زده بود. فعالیت‌های شبستری در سال‌های بعد منحصر به تالیف و تدریس در حوزه فلسفه و کلام اسلامی شد. پس از آنکه عبدالکریم سروش از جریان روشنفکری دینی در سرزمین ما با نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت، مسیر بحث‌های روشنفکری را به سمت و سویی دیگر برد، نگاه مجتهد شبستری به مسئله نسبت دین و دنیای جدید نیز به‌عنوان رویکردی دیگر برای حل مسائل موجود در این عرصه مطرح شد. شبستری با نگارش کتاب هرمنوتیک، کتاب و سنت راه خود را از نظام معرفت‌شناختی سروش جدا کرد و نواندیشی دینی را به سمت و سویی برد که رنگ و بویی بیشتر هرمنوتیکی داشت. در واقع گرچه شاید در نگاه اول، نتایج حاصل از دو پروژه سروش و مجتهد، نتایج یکسانی به نظر می‌آمد، اما تحلیل مقدمات و خاستگاه‌های نظریه‌پردازی این دو آشکار می‌کرد که تفاوتی بنیادین در آبشخورهای فکری این دو متفکر وجود دارد. نگارش کتاب ایمان و آزادی و نقدی بر قرائت رسمی از دین نیز حاصل تلاش شبستری در سال‌های تدریس و تحقیق بود. اندیشه‌های شبستری به‌عنوان متفکری اصیل در سال‌های اخیر همواره مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران حوزه اندیشه بوده است. در باب افکار او مقالات و حتی کتاب‌های مختلفی به زبان فارسی و انگلیسی نگاشته شده است. محمد مجتهدشبستری تا همین چندهفته پیش، استاد کلام و فلسفه در دانشکده الهیات بود و مدیریت گروه فلسفه و کلام اسلامی دایره‌المعارف بزرگ اسلامی را نیز برعهده داشت (و البته این یکی را هنوز دارد). او که در آستانه هفتاد و یک سالگی به سر می‌برد، سابقه ۱۹ سال عضویت در هیات علمی دانشگاه تهران دارد و بخش عظیمی از پایان‌نامه‌های نگارش یافته در دانشکده الاهیات حاصل زحمات اوست.

حالا او مانده است و نامه‌ای با این مضمون که طی حکم فلان و طبق ماده فلان قانون استخدامی، حضرت‌عالی «به افتخار بازنشستگی نائل می‌شوید.» بازنشستگی افتخار است برای کسی که سال‌های عزیز عمرش را خرج دانشگاه کرده است و فروتنانه از تمام منازعات سیاسی برائت جسته است. شبستری اگر می‌خواست، بسیار بیشتر از اینها قدر می‌دید و صدر می‌نشست. اگر اهل هیاهو بود، صاحبان تریبون‌ها التماسش می‌کردند که برایشان سخنرانی کند و برایش کف بزنند و از او تئوریسینی برای نزاع‌های سیاسی بسازند. شبستری اما گوشه گرفت و جریده رفت و حالا در گذرگاه تنگ عافیت نیز، به خانه رفته تا بازنشستگی‌اش را جشن بگیرد. اما کلاه‌مان را قاضی کنیم. به راستی آیا ما هم به «افتخار» بازنشستگی مجتهد نائل شده‌ایم یا به اجبار از دست دادنش دچاریم؟ اولیای امور اگر مدد کنند، خلق و خدای خلق به ماندن شبستری راضی‌ترند تا رفتن‌اش، که جایی از کسی تنگ نمی‌کند این پیرمرد.

در همین زمینه

مشهورترین استادان بازنشسته

۱-دکتر محمد مجتهد شبستری
استاد دانشکده الهیات
۲-دکتر حسنعلی درودیان
رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۳-دکتر رضا رئیس توسی
استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۴-دکتر احمد ساعی
استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۵-دکتر سیدعلی آزمایش
استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۶-دکتر عالم‌زاده
استاد دانشکده الهیات

بازنشستگی رئیس دانشکده حقوق پیش از اتمام دوره ریاست

گروه حقوق، عبدالله خاتمی‌فر: هنوز فهرست دقیقی از اسامی اساتید بازنشسته دانشکده حقوق منتشر نشده است. گرچه اخبار غیررسمی تایید نشده حکایت از پایان همکاری حداقل ۵ استاد شناخته شده حقوق داشت، اما چند نفر از کسانی که نام ایشان در زمره بازنشستگان اخیر آمده، این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کردند. براساس گزارش منابع موثق تنها حکم بازنشستگی آقایان دکتر حسنعلی درودیان رئیس کنونی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دکتر سیدعلی آزمایش صادر شده است. این در حالی است که حسنعلی درودیان که از سال ۱۳۵۲ به صورت رسمی در دانشگاه تهران استخدام شده، با رای سال ۸۳ استادان دانشکده حقوق و علوم سیاسی تا سال ۱۳۸۶ ریاست دانشکده را عهده‌دار خواهد بود. چرا که براساس مصوبه مورد اجرای وزارت علوم در سال ۸۳، اساتید دانشکده‌ها حق انتخاب رئیس دانشکده محل اشتغال خود را دارا شدند. ناگفته نماند که دکتر درودیان پیش از آن نیز طی سال‌های ۸۰ تا ۸۳ ریاست دانشکده حقوق را برعهده داشت. وی علاوه بر ریاست دانشکده، مدیریت گروه حقوق خصوصی و اسلامی را در حضور دکتر امیرناصر کاتوزیان استاد ممتاز حقوق ایران برعهده داشت. رتبه علمی وی دانشیاری است که تا سال‌های اخیر، تدریس مهم‌ترین درس دانشکده حقوق یعنی حقوق مدنی در قالب ۹ واحد درسی- شامل بخشی از دروس اختصاصی- به عهده وی بود. به گونه‌ای که تقریرات درس «حقوق تعهدات و مسئولیت مدنی» وی از مشهورترین منابع آموزشی دانشجویان رشته حقوق در مقاطع مختلف و دانشکده‌های حقوق سراسر کشور بود. دکتر درودیان که سابقه معاونت دانشکده حقوق و علوم سیاسی و عضویت پیوسته آکادمی موسسه حقوق تطبیقی را از ابتدای خدمت علمی دارا است، عضو شورای پژوهشی دانشگاه تهران نیز بوده است. علاوه بر این وی به طور موردی در موسسه علوم بانکداری، مدرسه عالی بیمه و دانشکده حقوق دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) نیز سابقه تدریس دارد. گرچه به‌زعم بسیاری از حقوقدانان و حقوق‌خوانان آثار تالیفی و تحقیقی وی تاکنون معرفی نشده‌اند، اما از وی کتاب‌ها و مجموعه‌های مکتوب دیگری به زبان فرانسه و فارسی در داخل و خارج از کشور (سوئیس) منتشر شده است. از وی مقاله‌های متعددی در ۳۰ سال گذشته در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی به چاپ رسیده است. جالب توجه اینکه دکتر درودیان به عنوان رتبه اول دوره لیسانس حقوق در سال ۱۳۴۱ از طرف وزارت فرهنگ وقت به کشور سوئیس اعزام شد که با دفاع از پایان‌نامه خود در دانشکده حقوق دانشگاه لوزان به دریافت دکترای حقوق و جایزه علمی لو-رآ دست یافت.

ادامه در صفحه آخر

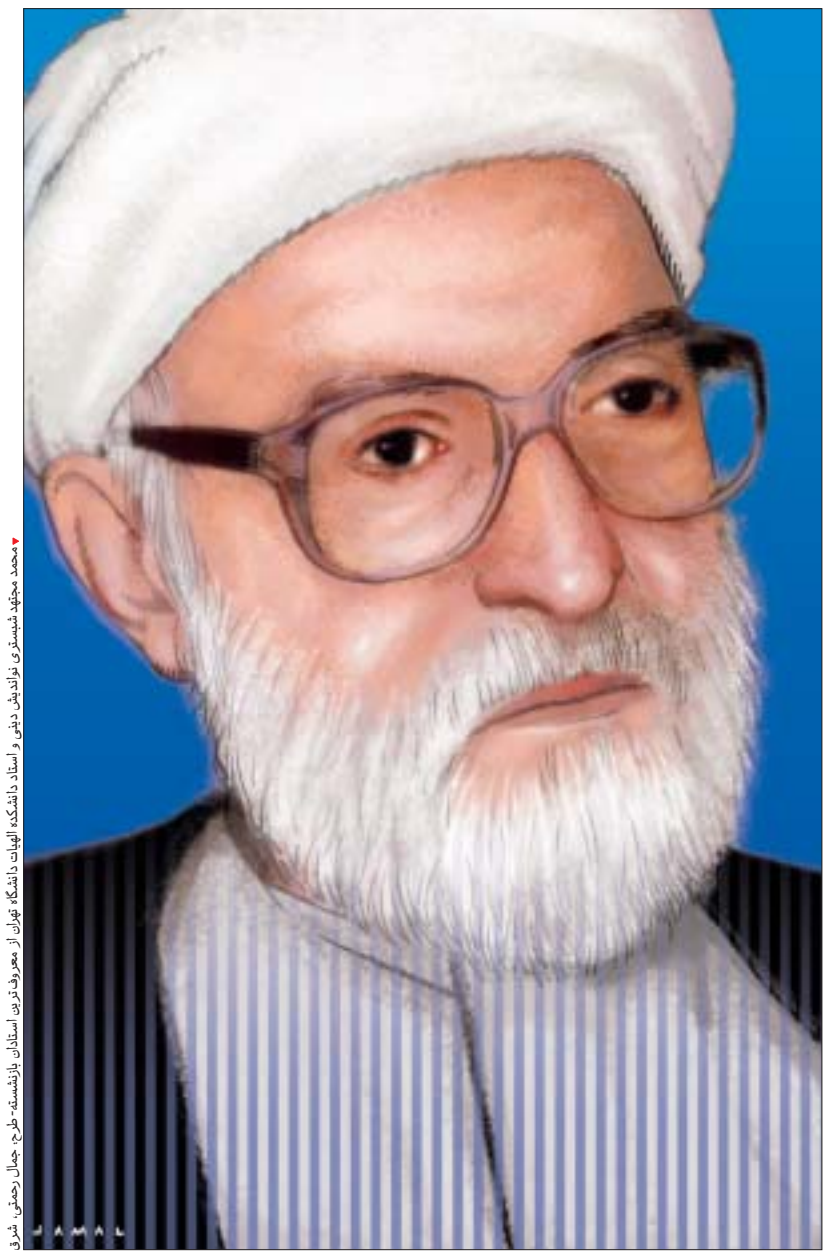

محمد مجتهد شبستری و نواندیش دینی و استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران از معروف‌ترین استادان بازنشسته- طرح: جمال رحمتی، شرق

سرمقاله

سیاست علیه علم

دکتر محمدعلی نجفی
وزیر پیشین علوم

۱- در سال‌های پس از انقلاب فرهنگی پاکسازی دانشگاه‌ها و بازنشسته کردن استادان دانشگاه به طور ناخواسته بالا گرفته بود. شرایط پس از انقلاب، رخداد انقلاب فرهنگی و پرونده‌سازی برای برخی اساتید در مورد ارتباطشان با نظام شاهنشاهی دلیلی بر این ماجرا بود. جو انقلابی باعث شده بود در میان مسئولان و مدیران آموزش عالی کشور احساس نیاز به استادان دانشگاه کم شود. حالا می‌توان گفت که در آن ایام تندروها در پاکسازی و بازنشسته کردن استادان لطمات زیادی به نظام آموزش عالی و تحقیق و پژوهش کشور وارد ساخت که خسارت پاره‌ای از آن رفتارها همچنان باقی است.

درست در همان سال‌ها، از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳ وزیر فرهنگ و آموزش عالی بودم. به‌خاطر دارم که یکی از استادان بسیار برجسته متهم به داشتن روابطی خفیف با نظام شاهنشاهی شده بود و روابطش نیز عمدتاً به‌خاطر سطح علمی بالا و اعتبار دانشگاهی‌اش بود. گاهی از ایشان تجلیل شده بود و گفته می‌شد به علت استاد دانشگاه بودنش رفت و آمدی با دربار داشته است. پس از انقلاب این استاد دانشگاه پاکسازی شد. او در آن سال‌ها نامه‌ای به مقام رهبری که در آن زمان رئیس‌جمهور بودند، نوشته بود و از کنار گذاشته شدنش گلایه کرده بود. رئیس‌جمهور شخصاً نامه‌ای به من نوشتند و در آن تاکید کردند که ارزش کار علمی این استاد به مراتب بیش از این است که بخواهیم او را به‌خاطر برخی از لغزش‌ها در گذشته بازنشسته کنیم. تعبیرشان این بود که نباید برای اعمال اینچنینی در گذشته، دانشگاه و نظام آموزش عالی را از خدمات ایشان محروم کنیم. در انتها نیز به این آیه قرآن کریم (سوره هود، آیه ۱۱۴) که می‌فرماید: «ان الحسنات یذهبن السیئات» اشاره‌ای کرده بودند.

البته درباره بازنشستگی‌های اخیر استادان دانشگاه‌ها در دولت جدید و با ذکر این خاطره نمی‌خواهم بگویم این استادان دانشگاه از سیئاتی برخوردار بوده‌اند، منظور این است که مقام رهبری حتی در شرایط انقلاب فرهنگی و فشار پس از انقلاب نیز با تندروی‌ها مخالف بوده‌اند.

۲- آنچه ذات دانشگاه را تشکیل می‌دهد و دانشگاه را تبدیل به یک کانون علمی و فرهنگی می‌کند استادان آن هستند. در همه جای دنیا استادان سرمایه‌های دانشگاه محسوب می‌شوند و بسیاری از دانشگاه‌های معتبر به اینکه یک برنده نوبل یا محقق برجسته چند سالی در آن دانشگاه تدریس کرده است افتخار می‌کنند. اما به نظر می‌رسد در برخی از تصمیم‌گیری‌های وزارت فعلی ارزش‌دهی و اعتباربخشی استادان به دانشگاه‌ها مورد غفلت قرار گرفته است.

۳- اینکه کسی ادعا کند اگر صاحب عنوان استادی شد باید تا آخر عمر به‌عنوان شاغل در دانشگاه حضور داشته باشد اشتباه است. روزی از توانایی و کارایی استاد دانشگاه نیز مثل هر شاغل دیگری کاسته خواهد شد و نخواهد نتوانست علوم خود را به روز نگه دارد و نقش خود را در آموزش و راهنمایی دانشجویان و تحقیق و پژوهش ایفا کند. هیچ اشکالی ندارد که استاد دانشگاهی که از کارایی خوبی برخوردار نیست بازنشسته شود. قابل درک نیست که بگوییم استادان به‌طور مطلق بازنشسته نشوند و یک کرسی دانشگاهی را اشغال کنند و جا را برای قشر جوان خالی نکنند. اما به‌نظر می‌رسد در بازنشستگی‌های اخیر استادان دانشگاه، تصمیم بازنشستگی استادان با مسائل سیاسی همراه بوده است. استادانی بوده‌اند که به اندازه یک استاد جوان‌تر توانایی کار و مشاوره و تحقیق داشته‌اند و اطلاعات خود را نیز به روز نگه داشته‌اند اما جزء شمول قانون بازنشستگی قرار گرفته‌اند و استادانی نیز بوده‌اند که کارایی کمتری داشته‌اند اما به خاطر گرایش فکری و سیاسی خاص خود مشمول بازنشستگی نشده‌اند و بدین ترتیب علم قربانی سیاست شده است.

۴- برای اینکه بازنشستگی استادان در مجامع علمی قابل دفاع و از قانونمندی نیز برخوردار باشد باید دو شرط را رعایت کرد. شرط اول این است که تصمیم بازنشستگی فارغ از مسائل سیاسی و توسط دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی گرفته شود. شرط دوم اینکه چنین تصمیمی به استاد مربوطه گزارش شود و با او درباره بازنشستگی‌اش توافقی حاصل آید. متاسفانه معمولاً تصمیمات بازنشستگی استادان صرفاً از جنبه اداری گرفته شده و به طریق دستگاه‌های بوروکراتیک به اطلاع استادان رسیده است. با چنین روشی مشخص است که تصمیمات از وجاهت و مقبولیت عمومی برخوردار نباشد.

۵- در همه دانشگاه‌های دنیا استادان بازنشسته می‌شوند. اما در دانشگاه‌های معتبر، سنتی درباره بازنشستگی وجود دارد. اولین عرف این است که خود استاد و نیز دانشگاه به این نتیجه می‌رسند که استاد به مقام بازنشستگی نائل شود.

ادامه در صفحه آخر